

---

# بررسی ردپای جان‌بخشی آناهیتا بر عروسک‌های آیین باران‌خواهی

عضو هیأت‌علمی دانشگاه هنر

زهره بهروزی نیا

## چکیده

آیین باران‌خواهی یکی از مهم‌ترین آیین‌های به‌جامانده از گذشته است. این آیین امروزه نیز در بسیاری از شهرهای ایران جهت طلب باران انجام می‌گیرد و به شکل‌های مختلفی برگزار می‌شود. عنصر اصلی این آیین، عروسک‌های ساخته‌شده توسط مردم طالب باران است. این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر جان‌بخشی الهه‌ی آناهیتا بر روی عروسک‌های آیین باران‌خواهی است. در این مقاله با مطالعه‌ی پژوهش‌های انجام‌گرفته توسط پژوهشگران و اسطوره‌شناسان، ابتدا به بررسی الهه‌ی آناهیتا و جایگاه آن در ایران باستان پرداخته شده است و سپس آناهیتا با ایشتر، الهه‌ی بابلی تطبیق داده می‌شود تا به چگونگی حرکت دادن این الهه‌ها توسط مردم در گذشته پرداخته شود. پس از آن، آیین باران‌خواهی مورد مطالعه قرار گرفته و نگاهی اجمالی به نقش و جایگاه عروسک در این آیین شده است. در پایان ارتباط عروسک‌های آیین باران‌خواهی با الهه‌ی آناهیتا بررسی شده است و تأثیر این الهه بر روی شکل و حرکت این عروسک‌ها اثبات می‌شود.

واژگان کلیدی: عروسک، آناهیتا، ایشتر، آیین باران‌خواهی

ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی همواره با مشکل کم‌آبی مواجه بوده است، چنان‌که داریوش در کتیبه‌ی تخت‌جمشید (بند ۳) از اهورامزدا می‌خواهد تا ایران را در برابر خشکسالی و دروغ محافظت کند (نعمت طاووسی، ۱۳۹۱: ۲۷۱). عقیقی به نقل از فریزر می‌نویسد که "اساس همه‌ی اساطیر به باروری و حاصلخیزی طبیعت باز می‌گردد." (عقیقی، ۱۳۷۴: ۱۳). تمام حیات بشریت به این عنصر آسمانی وابسته است و به‌همین دلیل آیین‌ها و مراسم‌های مربوط به آب از جمله آیین طلب باران از اهمیت خاصی برخوردار است. در ایران باستان الهه‌ی آب (آناهیتا) از اسطوره‌های مهم به‌شمار می‌رفت و مورد احترام و تقدس بسیاری بود. او ستایش می‌شد و آیین‌های بسیاری برای تکریم او بر پا می‌شد. بنابراین آیین‌های باران‌خواهی در ایران که حاصل ستایش ایزد بانوی ایرانی آناهیتا بود نیز به‌منظور طلب باران از او برگزار می‌شد. "آیین‌های تمنای باران که در ایران برپا می‌شود، مملو از نشانه‌های اساطیری است که بخش اعظم آن‌ها در آیین‌های پیرامون آناهیتا و تیشتر ریشه دارد." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۴۷)

عنصر اصلی در بسیاری از آیین‌های مذهبی از جمله آیین‌های مربوط به حاصلخیزی و باروری، عروسک‌هایی است که نمادی از خدایان مربوط به آن آیین‌اند. یورکفسکی بر این باور است که "آن‌ها هم‌چون حضوری قابل مشاهده از خدایان با آیین‌های مذهبی متولد شده‌اند." (یورکفسکی، ۱۳۹۳: ۳۸) این اشیای بی‌جان که در آیین‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و حرکت داده می‌شوند در فرهنگ‌های مختلف با اشکال متفاوتی ظاهر می‌شوند. آن‌ها که به صورت شیئی نمادین واسطه‌ی بین انسان و نیروهای ماورایی قرار می‌گیرند، به انسان قدرت پیروزی بر طبیعت ناشناخته را می‌دهند. رستگار فسایی می‌گوید: "پیکرگردانی با زبانی رمزی و نمادین موفقیت هوشمندانه‌ی انسان را در دوران کهن باز می‌گوید و ناتوانایی‌های او را به توانایی بدل می‌سازد." (۱۳۸۱: ۱۱۵)

آیین باران‌خواهی که یکی از مهم‌ترین آیین‌های به‌جامانده از گذشته است نیز از این قاعده مستثنی نیست. حضور عروسک در آیین باران‌خواهی، نگرش مردم ایران باستان را نسبت به الهه‌ی باران نشان می‌دهد. این کارکرد ویژه معرف بخشی از فرهنگ این مردم نیز هست.

در این پژوهش تلاش شده تا با بررسی نقش آناهیتا در زندگی مردم ایران باستان، به تأثیر حضور آناهیتا در آیین‌های باران‌خواهی پرداخته شود و به این پرسش‌ها پرداخته شود، که: الهه‌ی آناهیتا در زندگی مردم تاچه اندازه مقدس بوده است؟ آیا تندیس آناهیتا در آیین‌های پرستش حرکت داده می‌شده است؟ آیا عروسک آیین باران‌خواهی شکل تغییر یافته‌ی تندیس آناهیتا است؟

## روش تحقیق

برای انجام تحقیق حاضر، به دلیل وابستگی مباحث مطرح شده به علوم انسانی، به ویژه مردم‌شناسی، تحقیقات از نوع کتابخانه‌ای بوده و با بررسی پژوهش‌ها و مطالعه‌ی کتاب‌های موجود در این زمینه، انجام گرفته است. اما از آن‌جا که در بخش‌هایی هم‌چون آداب مربوط به آیین پرستش آناهیتا و چگونگی برخورد با تندیس‌های این اسطوره، منابع مستندی یافت نشده است، نگارنده از طریق گفت‌وگو با پژوهشگران مردم‌شناسی و باستان‌شناسان به منابعی در حوزه‌های دیگر مرتبط با اهداف این تحقیق دست پیدا کرده و با بررسی تطبیقی آناهیتا با ایشتر به نتایج حاصل در این پژوهش رسیده است. هم‌چنین به دلیل گستردگی و ارتباط نداشتن موضوعی بین مباحث مطرح شده (اسطوره و عروسک) سعی بر آن شده تا با یافتن پیوندهایی بین موضوعات مختلف به سوالات مطرح‌شده، پاسخ داده شود.

## پیشینه‌ی پژوهش

از مهم‌ترین این کتاب‌ها که به انجام این پژوهش کمک بسیاری کرد، می‌توان از کتاب معبد آناهیتا کنگاور، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و بازسازی و احیای معماری معبد ناهید و تاق‌گرا نوشته‌ی سیف‌الله کامبخش فرد منتشرشده در سال ۱۳۷۴، نام برد. این کتاب که درباره‌ی موقعیت جغرافیایی و ساختار معابد آناهیتا در کنگاور است و به بررسی اشکال ظاهری این معابد و چگونگی پرستش آناهیتا در ادوار مختلف می‌پردازد. همین‌طور کتاب تاریخ نمایش، تئاتر و اسطوره در عهد باستان نوشته‌ی روح انگیز راهگانی منتشر شده در سال ۱۳۸۸، که به چگونگی پیدایش نمایش و عروسک از دل اسطوره‌ها و آیین‌ها می‌پردازد نیز به عنوان منبع مهمی در انجام این پژوهش به‌شمار می‌رود. از میان منابع موجود کتاب فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و سنتی ایران نوشته‌ی پوپک عظیم‌پور منتشرشده در سال ۱۳۸۹، که شامل مجموعه‌ای از تصاویر مختلف عروسک‌های آیینی و کارکرد آن‌ها در ایران است و مقاله "اساطیر: اکتیو (آیین آغاز سال نو در بابل)" نوشته‌ی عبدالمجید ارفعی منتشرشده در سال ۱۳۸۷، که درباره‌ی چگونگی برگزاری آیین آغاز سال نو در بابل است، سهم زیادی در انجام این پژوهش داشته‌اند. با وجود پژوهش‌ها و تحقیقات فراوانی که در مورد اسطوره‌ها و از جمله آناهیتا انجام پذیرفته، درباره‌ی چگونگی برگزاری مراسم پرستش آناهیتا و آیین مربوط به آن، سند و مدرکی توسط نگارنده یافت نشده است.

## نقش آناهیتا در ایران باستان

آب یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعت است که از بدو خلقت وجود داشته است و بدون آن هستی ادامه نمی‌یابد. آب، ازسویی نیازهای انسانی را برطرف می‌کند و ازسویی دیگر به‌عنوان پدیده‌ای مقدس در ادیان به‌شمار می‌رود. عقیقی می‌نویسد: "ایرانیان باستان، عناصر مفید و سودمند را که به نحوی در زندگی مؤثر بوده، مقدس داشته و ایزدی را نگاهبان آن می‌دانستند. آب یکی از عناصر سودمندی است که بسیار مورد ستایش و نیایش قرار گرفته و در سراسر کتاب اوستا با تقدیس از آن سخن رفته است." (عقیقی، ۱۳۷۴: ۴۰۱) بر پایه‌ی این تقدس است که ایرانیان باستان به این نعمت آسمانی احترام بسیاری می‌گذاشتند و برای استفاده از آن شرایطی تعیین می‌کردند که حتی موردتوجه مؤرخانی چون هرودوت و آگاسیاس قرار گرفت تا جایی که نوشتند: "ایرانیان در میان رود بول نمی‌کنند، در آب تفو (= آب دهان) نمی‌اندازند. در آن دست نمی‌شویند و متحمل هم نمی‌شوند که دیگری آن را به کثافتی آلوده کند، احترامات بسیاری برای آب منظور می‌دارند." (پور داود، ۱۳۷۷: ۱۶۰) و حتی پادشاهان برای آب چنان تقدسی قایل بودند که بر روی آب جنگ نکرده و حتی برای عزیمت به جنگ نیز از راه آب صرف‌نظر می‌کردند. "تیرداد پادشاه ارمنستان، برادر و لاش (بلاش اول)، هنگامی که به روم عزیمت می‌کرد، برای این که تاج خود را از نرون بگیرد، از مسافرت دریایی صرف نظر کرد تا مبادا آب را که عنصری مقدس است - آلوده شود. به طور خلاصه باید گفت که آب در همه‌ی ازمه‌ن، نزد ایرانیان مقدس بوده و هر دو توس آن را تأیید می‌کند و ما می‌دانیم که ربه النوع مظهر آب، آناهیته (ناهید) بوده است." (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۱۹)

اما این احترام و تقدس کافی نبود تا ایرانیان از موهبت آب برای همیشه برخوردار باشند. ایران به دلیل شرایط جغرافیایی، از دیرباز با مشکل کم‌آبی و خشکسالی روبه‌رو بوده است. گیرشمن در این باره از تغییر آب‌وهوایی بین ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال ق.م‌خبر می‌دهد که طی آن دوران "بارانی از بین رفت و عهدی که اصطلاحاً آن را عهد خشک نامند و هنوز ادامه دارد، جانشین آن گردید." (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۱۰)

حال با توجه به اهمیت عنصر آب و تقدس آن در بین ایرانیان باستان و با وجود مشکل کم‌آبی و هراس انسان از بی‌آبی، طبیعی است، تا برای آن هم مثل سایر عناصر طبیعی اسطوره‌ای درنظر گرفته می‌شد تا با استمداد از آن بر این مشکل غلبه کنند. کارکرد این اسطوره‌ها همان‌گونه که بهار می‌نویسد برآورده ساختن نیاز او به جان پناه و نگهبان بوده است: "اسطوره نیازهای معنوی انسان را - که محصول بیم و هراس او از ناشناخته‌ها و نیاز وی به پیدا کردن پناه و نگهبان و ایجاد

ارتباط با جهان پیرامون بود- بر طرف می‌کرده است." (بهار، ۱۳۶۸: ۵۵) تمام عناصر طبیعی برای حفظ طبیعت آفریده شده و اسطوره‌ها نیز به بهانه‌ی پاسداشت این عناصر طبیعی خلق شده‌اند. از آنجایی که آب مایه‌ی بقای طبیعت و حاصل بارش باران است، بنابراین نیاز به خلق اسطوره‌ای برای پاسداشت آب ضروری به نظر می‌رسید.

اسطوره‌ی آب در ایران، آناهیتا است. آناهیتا یکی از نام‌های الهه‌ی آب است و او را با نام‌های دیگری چون ناهید، ناهد، ناهده، ناهی و آناهید نیز می‌شناسند. آناهیتا در اصل کلمه به معنی آب پاک است. "آردوسیور آب یا آردوسیور آناهیتا یکی دیگر از نام‌های ایزد آب است. واژه‌ی آردوسیور صفت و به معنی توانا، فزاینده و آناهیتا به معنی بی‌عیب و پاک و روی هم آردوسیور آناهیتا به معنی آب پاک و توانای بی‌آلایش است. آناهیتا که در فارسی به صورت ناهید به کار می‌رود هم نام ایزد آب است." (عفیعی، ۱۳۷۴: ۴۳)

از دلایل اهمیت این الهه، توصیفات دقیقی است که درباره‌ی آن در اوستا آورده شده است که به آن تجسم بخشیده و آن را تصویرسازی می‌کند. "او نیرومند و درخشان، بلند بالا و زیبا، پاک و آزاده توصیف شده است. در خور آزادگی خویش تاج زرین هشت پره‌ی صد ستاره‌ای بر سر دارد، جامه‌ی زرین بر تن و گردنبنندی زرین بر گردن زیبای خود دارد." (هینلنز، ۱۳۷۵: ۳۹)

بر اساس توصیفات که ذکر شد، این الهه یکی از مهم‌ترین ایزدان ایرانی به‌شمار می‌رفت تا جایی که او را در کنار اهورامزدا قرار می‌دادند. به گفته‌ی گویری این نام که نخستین بار در کتیبه‌های اردشیر دوم آمده است "بلافاصله پس از اهورامزدا و پیش از میترا (مهر) ذکر می‌شود و این نشانگر پایگاه ارجمند این ایزد بانوست." (گویری، ۱۳۷۱: ۱۰۳۱)

با گذشت زمان انسان لازم دید برای خدایان قدرتمند خود که آن‌ها را می‌پرستید و برای دفع و رفع مشکلات از آن‌ها مدد می‌خواست، تجسمی داشته باشد و به‌همین دلیل به ساختن تصاویری که در ذهن داشت، پرداخت. به باور یورکفسکی، "بسیاری از انسان‌شناسان بر این باورند که انسان اولیه، اولین صورت خیالی را خلق کرد، بنابراین تمایل به داشتن بت‌ها و ساختن جانشینی از موجودات قدرتمند حاکم بر جهان بدین منظور است." (یورکفسکی، ۱۳۹۰: ۲۱) در این برهه، او از بت برای انجام بهتر مناسک و تشریفات آیین‌های خود بهره می‌گرفت. یورکفسکی ادامه می‌دهد که "این نیاز مقابله با قدرتهای ماورای الطبیعه در بسیاری از آداب و تشریفات مذهبی با استفاده از بت توسعه یافت." (گویری، ۱۳۷۱: ۲۱)

در این میان، خدای باران (آناهیتا) نیز از این فائده مستثنی نبود و به‌همین‌روال، تجسم یافت و برای او تندیس‌هایی ساخته شد تا به قداست و قدرت او افزوده شود. راهگانی در این خصوص می‌نویسد:

بر پایه‌ی حفاری‌هایی که در نقاط مختلف ایران و لرستان صورت گرفته تندیس و نقوش پیکره‌های کوچکی از ایزد بانوی مادر یافت شده است که همه بیانگر آن است که سنت پرستش مادر در ایران، کهن‌ترین مذهب مردم این سرزمین به‌شمار می‌رفته است و پرستش مادر به‌عنوان نظام سیاسی مادرسالاری در ایران استوار بوده است و دو خدای کهن ایرانی آناهیتا (مادینه) و مهر یا میترا (نرینه) پیش از دین زرتشت بزرگ‌ترین ایزدان ایران به‌شمار می‌رفته‌اند. (راهگانی، ۱۳۸۸: ۱۹۰)

به باور دادور و منصوری، آنچه که از کتاب‌های تاریخی مشهود است و مورخین به آن اذعان دارند، این است که از زمان اردشیر دوم و با توجه و احترام این پادشاه به آناهیتا، ستایش این الهه به رسمیت شناخته شده است و برای او مجسمه‌ها و تندیس‌های باشکوهی ساخته می‌شود که با گذشت زمان در سراسر ایران رواج می‌یابند: "این تندیس‌ها بخشی از آیین پرستش او را تشکیل می‌داده است، زیرا یکی از تاریخ‌نویسان قدیم سهمدان و سارد و شوش برپا کرده بود. ناهید ایزد بانو محبوب مردم در بسیاری از سرزمین‌ها شد." (دادور، منصوری، ۱۳۸۵: ۱۲۷) به گفته‌ی گویری از این دوران به بعد است که تندیس‌های این ایزدبانوی اساطیری در قالب‌های برنزی و گلی زیبایی در شهرهای شوش، اکباتان، دمشق و بابل ساخته می‌شوند و در کتیبه‌ها نقش می‌بندند. (گویری، ۱۳۷۵: ۱۷)



شکل ۱: تندیس آناهیتا از گل رس (فره و شی، ۱۳۷۰: ۱۷۰) شکل ۲: تندیس ایشثار موزه لور فرانسه منبع: (www.Ishtar.com)

آنچه از شواهد برمی‌آید این است که الهه‌ی آناهیتا نیز هم‌چون سایر خدایان تحت‌تأثیر الهه‌های

موجود در سرزمین‌های دیگر به‌خصوص بین‌النهرین به‌وجود آمده است. "ایشتر خدای مادینه ای است که در بابل پرستیده و برای او معابد بسیاری ساخته شده بود. بعضی از پژوهشگران معتقدند "ناهید" ایرانیان در اثر نفوذ الهه "ایشتر" که در بابل پرستش می‌شد به وجود آمده است. پیرنیا عقیده دارد که اصولاً پرستش آن‌ها در ایران، مقتبس از نفوذ بابلیان است." (ستاری، خسروی، ۱۳۹۲: ۶۱)

بنا بر مستندات به‌دست‌آمده، حرکت تندیس خدایان در بابل نیز امری کاملاً طبیعی بوده و خدایان جهت حضور در برگزاری آیین‌های مختلف از سرزمینی به سرزمین دیگری حرکت می‌کردند. یکی از این مراسم، آیین اکتیو بوده است که خدایان برای برگزاری آن از پرستشگاه اصلی خود خارج و به پرستشگاه دیگری برده می‌شدند و پس از پایان مراسم به محل اصلی خود باز می‌گشتند. به گفته ارفعی " این جشن را در فراسوی دیوار شهر، در جایی که آن را خانه/ پرستشگاه اکتیو (سومری: a.ki.it، اکدی: [m] akiti bit) می‌نامیدند، برگزار می‌کرده‌اند. هم‌چنین می‌دانیم که برای برگزاری این جشن‌ها، تندیس خدای شهر را سوار بر زورقی از راه رود به این پرستشگاه می‌آوردند و پس از پایان یافتن آیین از همان راه به شهر و پرستشگاه باز می‌گردانیدند." (ارفعی، ۱۳۸۷: ۱۹۴)

آن‌چه که از ترجمه‌ی لوح‌های به‌جامانده برمی‌آید نشان می‌دهد که حرکت تندیس خدایان بابل تنها از شهری به شهر دیگر نبوده، بلکه این حرکت از پرستشگاهی به پرستشگاه دیگر در یک شهر نیز انجام می‌شده است. "راه حرکت ایزد مردوک از پرستشگاه اکتیو در شهر بابل از خیابانی بوده است که حفاران آلمانی بابل به آن نام "خیابان رژه"، خیابان دسته‌جمعی آیینی داده‌اند. خیابانی بوده است سنگ‌فرش که از جنوب شهر بابل آغاز می‌شده و پس از گذر از برابر پرستشگاه اسگیل سرانجام به دروازه‌ی باشکوه ایشتر، که با آجرهای مینایی و نقش برجسته گاو و اژدها (جانور همراه مردوک) آراسته بوده، می‌رسیده است." (ارفعی، ۱۳۸۷: ۱۹۹) حرکت‌دهی پیکره‌های خدایان تنها متعلق به بابل نبوده و این آیین در سرزمین‌های مختلف بین‌النهرین از جمله در شهرهای سومری، و نیز نزد عیلامی‌ها نیز برپا می‌شد. (معصومی، ۱۳۸۷: ۱۵۰) این‌که چرا خدایان حرکت می‌کردند و طی چه مراسمی جابه‌جا می‌شدند، معلوم نیست. اما چنان‌که ذکر شد، آیین خدایان و جابه‌جایی پیکره‌های بین‌النهرینی در آیین‌های ایران باستان، بسیار تأثیر گذار بوده است. همان‌طور که در منابع آورده شده است "او را بکردار دخترتری گردونه‌ران می‌بینیم که بر گردونه‌ای سوار است و لگام چهار اسب بزرگ و سفید و یک رنگ و یک نژاد را که نمودار باد و باران و ابر و تگرگ هستند در دست دارد و به سوی دشمن می‌تازد." (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۷۰)

امروزه آثار چنین آیین‌های جان‌بخشی به تندیس‌های خدایان، در آیین‌های باران‌خواهی که در عروسک‌های آن‌ها به منصفه‌ظهور رسیده و در نقاط مختلف کشور ایران برگزار می‌شود قابل مشاهده



است. آنچه در پی این گفتار می آید، تلاشی برای خوانش دوباره جان‌بخشی این ایزدبانو و ارتباط آن با مناسک آیین باران‌خواهی در ایران است.

### عروسک باران‌خواهی، به‌مثابه آناهیتا

از دیرباز، همواره برای خدایان مشخصاتی زمینی در نظر گرفته می‌شد که در شکل تندیس به عینیت درمی‌آمد و انسان برای این اشیای بی‌جان حیات قایل بود.

شناخت، اعتقاد و شرایط زندگی مردم هر منطقه جسمیت اسطوره‌ها را می‌ساخت و این جسمیت در اشیاء و اشکال ساخته‌شده، به تبلور می‌رسید. همان‌گونه که رستگار فسایی می‌نویسد، "مردم همواره با توجه به شرایط محیطی و اقلیمی خود، اسطوره‌هایی را خلق می‌کردند که خانه زاد دیرین و کهن الگوهای فرهنگ انسانی می‌شدند." (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۴۲) درحقیقت این تندیس‌ها، انعکاس ذهنی انسان از ایزدان و خدایان خود بود که ساخته می‌شدند، تا جان بگیرند و باورپذیر شوند. این تندیس‌ها را که می‌توانیم اجداد عروسک نیز بنامیم. آن‌ها در فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف عملکردهای متفاوتی داشتند. هم به نمایش تعلق داشتند و هم از کارکرد آیینی و مذهبی برخوردار بودند. مسعودی در این باره می‌نویسد: "شکی نیست که در بسیاری از فرهنگ‌ها از تمثال‌های بی‌روح در مراسم و نیایش‌ها استفاده می‌کردند. البته حرکت یا حرف زدن این تمثال‌های مذهبی مورد تردید است. اما در واقع آنها اجداد عروسک‌ها هستند. شباهت بین این دو نشان می‌دهد که تمثال‌های مذهبی هاله‌ای از تقدس به عروسک‌ها بخشیده‌اند." (تیلیس، ۱۳۸۴: ۷۳) درحقیقت عروسک زاده شده بود تا به خدایان عینیت ببخشد و آنان را باورپذیر کند. یکی از این خدایان، آناهیتا است.

اگر بپذیریم پیکره‌ها و تندیس‌های خدایان، اجداد عروسک‌ها باشند، پس می‌توان گفت عروسک‌ها ماهیتی متفاوت از آنچه که تعریف شده‌اند، دارند. زیرا از یک شیئی بی‌جان فراتر رفته و دارای روح خدایی می‌شوند. بنابراین طبیعی است که عروسک‌ها کارکردی خدایی یافته و از قدرت آن‌ها در آیین‌های مختلف جهت رفع نیازهای اولیه‌ی انسانی استفاده شود. در زمینه کارکرد این عروسک‌ها، کویر می‌نویسد: "از میان آیین‌های مذهبی اولیه که عروسک‌ها را به خدمت می‌گرفتند، دو آیین بسیار مهم بودند. آیین تشییع جنازه که با آیین نیاکان ارتباط می‌یافت و آیین مذهبی حاصلخیزی و باروری. اولین آیین از مرگ صحبت می‌کرد و دومین آیین از آغاز زندگی." (کویر، ۱۳۷۹: ۴۳) آیین باران‌خواهی ایران نیز که یکی از این آیین‌هاست مربوط به حاصلخیزی و باروری است و بیشتر در مناطق خشک و کم‌آب جهت بارش باران برگزار می‌شود. در آیین باران‌خواهی، عروسک واسطه‌ی میان خواست انسان و خداست که ریشه در اعتقادات مردم باستان به آناهیتا، الهه‌ی آب

دارد.

در این آیین، عروسک که توسط مردم طالب باران ساخته می شود، عنصر اصلی این مراسم به شمار می رود و به روش های متفاوتی ساخته می شود اما با وجود این تفاوت ها عروسک ها کارکردی یکسان دارند. عظیم پور انواع عروسک های باران خواهی را به سه شکل تقسیم می کند: "که دو صورت آن ها با اشیاء ساخته می شود. شیء اول دو تکه چوب است که به شکل چلیپا به یکدیگر متصل می شوند و شیء دوم انواع قاشق یا آب گردان است؛ شکل سوم ظهور عروسک ها به هیبت انسانی است که به شکل عروسک در می آید." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۳۴) آنچه در گُنه این عروسک گردانی نهفته است، این است که درحقیقت اشیای بی جانی هستند که از نیروی برتر (خدا) طلب باران می کنند. این عروسک ها را معمولاً از چوب می ساختند و لباس های مندرس بر تن آنان می کردند تا مورد توجه خدایان قرار گیرند و در اثر این توجه و ترحم بر آنان باران فرود آورند. حاتمی علت این مندرس پوشی را در جلب توجه خدایان نسبت به شرایط ناگوار انسان ها در بی آبی می داند: "آدمک را از چوب و پارچه های الوان [می ساختند] اما با پارچه های کهنه و مندرس تا خدایان بدانند که بر اثر بی بارانی و خشکسالی روزگار، مردم دچار تنگی و نداری شده و آن ها به رحم [آیند]." (حاتمی، ۱۳۷۱: ۲۰۱)

برگزاری آیین باران خواهی در مناطق مختلف ایران، همواره متنوع و متفاوت بوده است. این تنوع نشان از گستردگی برگزاری آیین های باران خواهی و نیز اهمیت آن است. عروسک های باران خواهی در بیشتر مناطق ایران به هر شکل و هر زبانی که باشند، اغلب به شکل مؤنث ساخته شده و توسط زنان و دختران به حرکت در می آیند. حضور و مدیریت زنان در برگزاری این آیین، ارتباط عروسک ها و آنها را بیشتر نمایان می سازد. عظیم پور در این باره می نویسد: "عروسک ها در آیین های باران خواهی در اغلب نقاط ایران تمثیل موکلان باران اند و در هیکل بانویی آراسته با تزییناتی زیبا و لباسی رنگین ساخته می شوند. این عروسک ها به دست دختران خردسال یا نوجوان که از نظر مجریان آیین، پاک و بی گناه اند به حرکت و گردش در می آیند." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۶۵)

برای نمونه، در میان عروسک های باران خواهی، بوکه بارانه (عروسک باران خواهی در کردستان) که بسیار به آنهایتا نزدیک است، معرفی می شود و شباهت های آنان مورد بررسی قرار می گیرد. دلیل شباهت بوکه بارانه به آنهایتا می تواند وجود پرستشگاه های آنهایتا در این منطقه باشد. این عروسک دارای نامی مؤنث و به معنی عروس باران است. عروسک به وسیله ی چوبی ساخته می شود و برای او تزییناتی از لباس، مو و پارچه قرار می دهند. این عروسک توسط زنان و دختران به حرکت درآمده و از خداوند طلب باران می شود. "دختران خردسال و نوجوان کرد که تمثیل

پاکی و معصومیت اند، در اغلب مناطق کردستان به ویژه اورامان به کوی و برزن می آیند. آن ها تکه چوبی نسبتاً بلند که می تواند یک پارو یا دو تکه چوب کوتاه و بلند باشد و به شکل چلیپا به یکدیگر میخ شده اند و... از اهالی روستا می گیرند و طی عبور از محلات برای این چوب لباس، موی سر و... تهیه می کنند." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

شبهت دیگر، مکان قرار گرفتن عروسک‌های بوکه بارانه است. معمولاً پس از اتمام مراسم باران‌خواهی عروسک را در مکان مقدسی که در کنار چشمه یا آب روانی قرار دارد، گذاشته و یا در آب رها می کنند. از آنجایی که تمام معابد آناهیتا در کنار آب ساخته می شدند و آناهیتا در این معابد موردپرستش قرار می گرفت، معمولاً پس از انجام مراسم باران‌خواهی، این عروسک‌ها نیز به کنار آب برده می شوند و در آنجا قرار می گیرند. "در برخی موارد عروسک به کنار چشمه ی آب برده می شود و در آب رها می شود." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

همچنین تلاش سازندگان عروسک به داشتن اندامی زنانه و ایجاد ویژگی‌های ظاهری برای عروسک با قرار دادن عناصر مختلفی مانند گل‌سینه و سنجاق می تواند بوکه بارانه را به توصیفاتی که از آناهیتا شده است و در بخش آناهیتا در این مقاله به آن پرداخت شد، نزدیک سازد. از ویژگی‌های دیگر این آیین می توان به حرکت عروسک توسط دختری که خوش قدوبالاتر از باقی دختران است، اشاره کرد که نشان‌دهنده‌ی اهمیت عروسک بوکه بارانه است. "بوکه بارانه گرچه بر فراز دست دختری خوش و قد و بالا و زیبا به پیش می رود اما بوکه بارانه قامتی بلندتر و قوی تر از همه دارد و لباس سرخس شاخص است." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴)



شکل ۳: بوکه بارانه عروسک باران‌خواهی کردستان (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۴۱)

نکته‌ی قابل توجه این است که برگزاری مراسم آیین باران‌خواهی به صورت دسته‌های در حال حرکت مردم طالب باران که عروسک را به مکانی خاص مشایعت می‌کنند، صورت می‌پذیرد. این حرکت دسته‌جمعی یکی از مهم‌ترین عناصر آیین باران‌خواهی است. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد این رفتار می‌تواند در راستای آیین‌های پرستش مربوط به ایشتر و سایر خدایان بین‌النهرین باشد که در آن‌ها نیز این حرکت به صورت دسته‌جمعی اتفاق می‌افتاد. حرکت‌های آن خدایان، حرکات آن‌ها را نیز در پی داشت. حضور مردم در آیین باران‌خواهی و حرکت دسته‌جمعی آن‌ها یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این آیین است، که از جایی شروع و در نهایت در کنار رودخانه‌ها، چشمه‌ها و یا قنات‌ها به پایان می‌رسد. در این حرکت دسته‌جمعی، خواندن سرود و دعا‌های مذهبی معمول است. هم‌چنین در پایان مراسم دادن فدیه و صدقه انجام می‌گیرد تا برگزاری این آیین کامل شود. "پس از بازگشت دختران تحفه‌های مردم را میان خود و دیگران تقسیم می‌کنند. خوراکی‌ها متبرک است و به صورت نمادین همه از آن سهم (بش) می‌برند." (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

با مقایسه عروسک بوکه بارانه و آن‌ها، شباهت آن‌ها را می‌توان در موارد زیر گزیده کرد:

- ۱- هر دو مؤنث‌اند.

۲- هر دو برای طلب باران به وجود آمده‌اند.

۳- هر دو با برگزاری آیینی به حرکت درمی‌آیند.

۴- هر دو در کنار آب‌ها و مکان‌های مقدس قرار داده می‌شوند.

۵- در برگزاری آیین باران‌خواهی، مردم به صورت راهپیمایی و دسته‌روی در پشت یا کنار عروسک حضور دارند و در برگزاری آیین آن‌ها نیز مردم در پشت تندیس، حرکت می‌کردند.

۶- در پایان مراسم باران‌خواهی، قربانی و صدقه داده می‌شود همان‌گونه که برای آن‌ها نیز قربانی داده می‌شد.

### نتیجه‌گیری

عروسک‌های مورد استفاده در هر آیینی ریشه در اسطوره‌ای مربوط به آن آیین دارد. یکی از این عروسک‌ها، عروسک‌های باران‌خواهی است که ریشه در اسطوره‌ی آن‌ها دارد. به دلیل اهمیت آب و قدرت باروری آن در نزد ایرانیان، این الهه نیز بسیار مورد احترام و توجه مردم ایران باستان بوده تا جایی که برای این الهه پرستشگاه‌ها و تندیس‌های بسیاری می‌ساختند و به پرستش آن می‌پرداختند. بر اساس منابع موجود تندیس‌های این الهه در نقاط مختلف ایران مورد پرستش قرار می‌گرفت. به‌گونه‌ای که حتی در کنار معابد آن‌ها، تندیس‌های او به مردم ارائه می‌شد و زائران این تندیس را در محل سکونت خود نگهداری می‌کردند. اما از آن‌جایی که در این منابع به حرکت

دادن این تندیس‌ها اشاره‌ای نشده است، در این مقاله تلاش شد تا با تطبیق آن‌ها، الهه‌ی ایرانی و ایشتر، الهه‌ی بابلی و منابع موجود نشان داده شود که آن‌ها شکل دیگری از ایشتر است و بنابراین تشابه آیین‌های پرستش آن‌ها به یکدیگر زیاد است. طبق اسناد موجود تندیس‌های ایشتر در راهپیمایی‌هایی جهت برگزاری مراسم‌های پرستش و به صورت آیینی حرکت داده می‌شدند به گونه‌ای که از یک معبد به معبد دیگری منتقل می‌شدند و مردم در پشت این تندیس‌ها حرکت آیینی و دسته‌جمعی را انجام می‌دادند. پس می‌توان به این نتیجه رسید که الهه‌ی آن‌ها نیز قابلیت حرکت داشته و در مراسم‌های مختلف این حرکت انجام می‌شده است. چنین رویه‌ای هم‌راستا با آیین‌های باران‌خواهی است که در آن‌ها نیز حرکت مردم به همراه عروسک باران‌خواهی به صورت دسته‌جمعی انجام می‌گیرد. با یافتن تشابهاتی در شکل، حرکت، محل برگزاری آیین و غیره بین عروسک‌های باران‌خواهی و آن‌ها می‌توان این عروسک‌ها را نمادی از آن‌ها دانست و تأثیر این الهه را در آیین‌های باران‌خواهی دریافت. هم‌چنین می‌توان تندیس‌های آن‌ها را عروسک‌های آیینی دانست که نمود آن‌ها امروزه در آیین‌های باران‌خواهی مشاهده می‌شود. عروسک‌هایی مؤنث که لباس‌هایی زنانه بر تن دارند و طی مراسمی آیینی واسطه‌ای می‌شوند تا از خداوند طلب باران نمایند و بازمانده‌ی الهه‌ای هستند که زمانی دور بسیار مورد تقدس ایرانیان بوده ولی در گذر زمان تغییر یافته‌اند.

### ■ فهرست منابع

- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۸۷)، اساطیر: اکتیو (آیین آغاز سال نو در بابل)، مجله فرهنگ و مردم، شماره (۲۷ و ۲۸)، صفحه‌های ۱۹۱-۲۰۳
- بهار، مهرداد (۱۳۶۸)، اسطوره، بیانی فلسفی با استدلال تمثیلی، مجله ادبستان، شماره (۲)، صفحه‌های ۵۴-۵۹
- پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷)، ادبیات مزدیسنا (یشتها)، انتشارات طهوری، تهران
- تیلیس، استیو (۱۳۸۴)، رمز جذابیت عروسک تندیس یا اسباب بازی، ترجمه: شیوا مسعودی، فصلنامه هنر و معماری، شماره (۶۴)، صفحه‌های ۷۰-۷۵
- حاتمی، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ مردم: گلاب بارون؛ دعای باران در کازرون، ماهنامه کلک، شماره (۲۹)، صفحه‌های ۱۹۷-۲۰۲
- دادور، ابوالقاسم، الهام، منصوری (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، تهران، نشر کلهر
- راهگانی، روح‌انگیز (۱۳۸۸)، تاریخ نمایش، تئاتر و اسطوره در عهد باستان، نشر قطره، تهران
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۱)، اسطوره‌های پیگرگردانی، مجله مطالعات ایرانی مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان ایران، شماره (۱)، صص ۱۳۹-۱۷۶
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۱)، پیگرگردانی در اساطیر، مجله مطالعات ایرانی مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان ایران، شماره (۲)، صفحه‌های ۹۵-۱۱۶

- ستاری، رضا، خسروی، سوگل (۱۳۹۲)، بررسی خویشتکاری های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مادر سالاری، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، شماره (۳۲)، صفحه‌های ۵۵-۷۵
- عظیم پور، پویک (۱۳۸۹)، فرهنگ عروسک ها و نمایش های عروسکی آیینی و سنتی ایران، تهران، نشر نمایش
- عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی، چاپ اول، تهران، نشر توس
- فره وشی، بهرام (۱۳۷۰)، ایرانویج، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- کوپری، جی سی (۱۳۷۹)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، نشر فرشاد
- گویری، سوزان (۱۳۷۱)، آناهیتا، ایزد بانویی از تبار خدایان کهن، مجله چیستا، شماره (۸۹ و ۹۰)، صفحه‌های ۱۰۱۲-۱۰۴۲
- گویری، سوزان (۱۳۷۵)، آناهیتا در اسطوره های ایرانی، چاپ دوم، تهران، نشر جمال الحق
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ نهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۷)، اساطیر و آیین های باستانی جهان، چاپ دوم، تهران، نشر پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
- نعمت طاووسی، مریم (۱۳۹۱)، رمزگشایی پاره های آیین های باران خواهی ایران، مجله مطالعات ایرانی، شماره (۲۱)، صفحه‌های ۲۷۱-۲۸۵
- هینلتز، جان (۱۳۷۵)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ چهارم، تهران، نشر آویشن، چشمه
- یورکفسکی، هنریک (۱۳۹۳)، عملکرد فرهنگی عروسک، ترجمه: زهره بهروزی نیا، تهران، نشر قطره

■ پی نوشت ها

۱. Herodotus
۲. Agasyas